



Holy shrines custodianship decrees of Qajarid Period

Hoorieh Saeidi¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: To examine the structure and contents of a number of holy shrines custodianship decrees with controversial source of issuance.

Methodology and Research Design: Documentary method was employed for analysis.

Findings and Conclusion: Due to the monarchy's inferior status within the Shiite jurisprudence, Qajar monarchies were able to enforce their judiciary power with the permission of Ulama. However, as such decrees were sealed by the monarchy, they are considered royal decrees.

Keywords:

Royal Decrees- Ulama, jurisdiction, Shiite jurisprudence, Qajarids.

1. Academic Member, National Library and Archives of Iran, Tehran, I. R. Iran
hooiehsaeidi@yahoo.com

Copyright © 2019, NLAIR (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«115»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2019.2385

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 3, Autumn 2019 | pp: 148 -168 (21) | Received: 11, Nov. 2018 | Accepted: 6, Jan. 2019

Archival studies





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

فرمان‌های تولیت (تولیت‌نامه‌ها، نیابت‌نامه‌ها) در دوره قاجار

حوریه سعیدی^۱

چکیده:

هدف: فرمان‌های موجود در مخزن خطی کتابخانه ملی ایران که صادرکننده آن‌ها محل اختلاف است از لحاظ شکل و محتوا بررسی شده است.
روش / رویکرد پژوهش: این مقاله با روش سندپژوهی نوشته شده است.
یافته‌ها و نتیجه‌گیری: از آنجا که در فقه شیعی، جایگاه سلطنت عاریه‌ای است، شاهان قاجار با مجوز علمای شرع وارد حوزه وظایف و اختیارات روحانیون می‌شدند و دستور و فرمان صادر می‌کردند. به‌علت آن‌که صادرکننده فرمان‌ها -با مشخصه‌های ظاهری مهر و امضای روی آن- شاهان بوده‌اند، این گونه اسناد در ردیف فرمان شاهان قرار داده می‌شوند.

کلیدواژه‌ها:

دوره قاجار؛ فرمان‌های تولیت؛ تولیت‌نامه؛ نیابت‌نامه.

۱. عضو هیئت‌علمی پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران

hooriehsaeidi@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۵»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۱۹.۲۳۸۵

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۸ | صص: ۱۶۸-۱۴۸ (۲۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۶

مطالعات آرشیوی

مقدمه

اسناد یکی از مهم‌ترین منابع مکتوب در زمینه تحقیقات تاریخی‌اند که با تقسیم‌بندی موضوعی، محتوایی و نیز شکلی، در درجاتی متفاوت از اعتبار و اهمیت و استناد قرار دارند. فرمان‌ها نوعی از اسناد دیوانی-حکومتی‌اند که درباره اعتبار و اهمیتشان بسیار در منابع گوناگون سخن گفته شده‌است؛ ولی هنوز ناگفته‌های زیادی در این باره وجود دارد. جهانگیر قائم‌مقامی در اثر ارزشمند خود -که هنوز یکی از بهترین منابع درباره شناخت اسناد تاریخی است- با توجه به مشخصه‌های اسناد و با شیوه‌ای منطقی و مستدل آن‌ها را دسته‌بندی کرده و برای هر نوع نیز واژه‌های پیشنهاد داده‌است. این تقسیم‌بندی با وجود گذشت سالیان زیاد و تحقیقات کم‌وبیش مفصل و گوناگون دیگر درباره اسناد تاریخی، هنوز ارزش و اعتبار خود را حفظ کرده و مرجعی برای استفاده محققان حوزه اسناد و تاریخ معاصر است.

این نوشته مختصر بر آن است تا با بررسی مشروعیت صدور یکی از انواع اسناد حکومتی یعنی فرمان‌هایی که به‌عنوان تولیت و یا در جایگاه آن صادر شده‌اند، به برخی شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها با دیگر فرمان‌های دیوانی بپردازد.^۱

فرمان‌های تولیت (تولیت‌نامه‌ها)^۲ در دو دوره صفوی و قاجار وجود داشته‌اند.

در ابتدا درباره منشأ صدور این نوع از فرمان‌ها توضیحاتی عرضه می‌شود:

فرمان‌های تولیت یا تولیت‌نامه‌ها: این نوع اسناد به‌عنوان «فرمان» از جانب شاه صادر می‌شده‌اند؛ ولی به‌سبب هویت مذهبی این نوع فرمان‌ها، صادرکننده آن‌ها در جایگاه بالاترین مقام دینی نیز قرار گرفته‌است؛ یعنی دو هویت و شخصیت سیاسی و دینی در یک قالب قرار گرفته‌اند. به دیگر سخن این گونه فرمان‌ها که از جانب شاه به‌عنوان «ولی امر مسلمین»^۳ صادر می‌شده‌است، با بحث حاکمیت دینی و حاکمیت سیاسی (عنایت، ۱۳۶۲، ص ۲۹۵) مرتبط است که در طول چند قرن و از زمان ابن‌ادریس^۴ و شیخ طوسی^۵ در بین فقهای شیعه وجود داشته‌است.

برای ورود به موضوع و شناسایی مشخصه‌های این نوع از فرمان‌ها، به طرح مقدمه‌ای درباره دو وجه حکومت (حکومت سیاسی و حکومت دینی) نیاز است.

حکومت در دوره غیبت و دیدگاه‌های متفاوت فقها: درباره موضوع حکومت در دوره غیبت به‌عنوان یکی از پربحث‌ترین مسائل فقهی، با اختلاف آراء و نظرات فقها و علمای شیعه مواجهیم که آن‌هم به‌دلیل استنباطات گوناگونی است که فقها از احادیث و روایات نبوی و ائمه معصومین داشته‌اند. بسیاری از علمای شیعه به نامشروع بودن حکومت‌ها و دولت‌ها اعتقاد داشته‌اند و همکاری با آن‌ها را جایز ندانسته‌اند (الحسینی الشیرازی، بی‌تا،

۱. قراردادن این نوع از اسناد در ردیف فرمان ادعایی است که نویسنده در اینجا سعی دارد آن را استدلال کند.

۲. این عنوان را نگارنده انتخاب کرده‌است و دلیل آن در ادامه مت مشخص خواهد شد.

۳. درباره این اصطلاح در ادامه توضیحاتی عرضه می‌شود.

۴. محمدبن منصوربن احمدبن ادريس حلی عجل (ابن‌ادریس) فقه شیعی امامی در اواخر قرن ششم هجری می‌زیسته‌است. گفته می‌شود که جد مادری او شیخ طوسی بوده‌است. او در فقه، اصول، تفسیر و علم‌اللغة تبحر داشته‌است. او به‌دلیل استفاده از عقل برای استنباط احکام، فقه شیعه را وارد مرحله‌ای جدید کرد. باب نقد را از نقد آراء شیخ طوسی باز کرد. به او صاحب سرائر نیز گفته می‌شود. برای اطلاعات بیشتر رک: محمد تنکابنی، قصص العلماء و ابوالقاسم گرگی، تاریخ فقه و فقهاء.

۵. شیخ طوسی ملقب به شیخ الطائفة از بزرگ‌ترین فقهای شیعه، و مجدد و مفسر فقه جعفری است. بعد از گذشت قریب به هزار سال، هنوز هم در حوزه‌های علمیه درباره مباحثی که او مطرح کرده‌است بحث و گفت‌وگو می‌شود. او در محضر شیخ مفید و سیدمرتضی علم‌الهدی تلمذ کرده و در نزد ایشان و شیعیان فوق‌العاده محترم و معزز بوده‌است. او در عصر خلفای عباسی می‌زیسته و خلیفه بغداد به احترام مقام علمی‌اش یک کرسی برای تدریس علم کلام به او اختصاص می‌دهد. ولی در پی این کار نزاع شیعه و سنی در بغداد درمی‌گیرد و علمای اهل سنت که به نیوغ و مقام علمی او رشک می‌برند، آتش اختلاف را دامن می‌زنند و مردم را علیه شیخ می‌شوراند که در آن میان کرسی استادی و کتاب‌های شیخ سوزانده می‌شود. در پی این کار او بغداد را به سمت نجف ترک می‌کند (۴۴۸ هـ). برای اطلاعات بیشتر رک: محمد تنکابنی، قصص العلماء، طهران، بی‌تا.

۶. بحث درباره حکومت دینی و نظرات علما، تلخیصی است از بخش اول پایان‌نامه نگارنده با عنوان: «نقش علمای عتبات در نهضت مشروطیت از زمان تلگرافات ایشان».



۱. علی‌بن عبدالعالی معروف به محقق ثانی و محقق کرکی جبل‌عاملی (درگذشته در ۹۴۰ قمری در نجف) از علمای بزرگ عصر صفوی بود که از وطن خود جبل‌عامل مهاجرت کرد و ابتدا به عراق رفت و سپس در پی دعوت شاه اسماعیل صفوی برای تبلیغ و ترویج تشیع به ایران مهاجرت کرد. برای اطلاعات بیشتر رک: *روضات الجنات اثر میرزاحمدباقر الموسوی الخوانساری الاصبهانی* صص ۳۵۲-۳۶۱ و *ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء اثر میرزاعبدالله افندی الاصبهانی*.
۲. محمدباقر اصفهانی معروف به وحید بهبهانی (۱۱۱۷-۱۲۰۵ ق). پدرش محمداکمل بهبهانی از نوادگان شیخ مفید بود و مادرش نوه ملا محمد صالح مازندرانی و آمنه بیگم دختر مجلسی اول و خواهر محمدباقر مجلسی بود. علامه بهبهانی از سوی سیدمحمد طباطبایی اصفهانی، «وحید عصر» لقب گرفت و به دلیل اقامت طولانی در شهر بهبهان، او را «وحید بهبهانی» خوانده‌اند و به لقب‌های دیگری همچون «استاد اکبر»، «استاد کل»، «علامه ثانی» و «محقق ثالث» نیز مشهور است. برای اطلاعات بیشتر رک: *وحید بهبهانی اثر علی دوانی*.
۳. شیخ جعفر بن خضر مالکی معروف به شیخ اکبر و کاشف‌الغطاء (متوفای ۱۲۳۷ ق) شاگرد وحید بهبهانی و سیدمحمد مهدی بحرالعلوم بود. اثر مهم او کتاب *کشف‌الغطاء* است. برای اطلاعات بیشتر رک: *ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء اثر میرزاعبدالله افندی الاصبهانی* و *قصص‌العلماء اثر محمد تنکابنی*.
۴. محمدحسن نجفی معروف به صاحب جواهر بنام کامل آیت‌الله شیخ محمدحسن بن شیخ‌باقر بن شیخ‌عبدالرحیم بن آقا محمد بن ملاعبدالرحیم شریف اصفهانی (احتمالاً ۱۱۶۶ تا ۱۲۲۸ ق) از فقهای شیعه و صاحب کتاب *جواهرالکلام فی شرح شرایع‌الاسلام* است. برای اطلاعات بیشتر رک: *ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء اثر میرزاعبدالله افندی الاصبهانی* و *قصص‌العلماء اثر محمد تنکابنی*.
۵. مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ ق). برای اطلاعات بیشتر درباره این فقیه بزرگ رک: *قصص‌العلماء اثر محمد تنکابنی و ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء اثر میرزاعبدالله افندی الاصبهانی*.
۶. احمد بن محمد اردبیلی (مقدس اردبیلی)، در قرن ۱۰ ق در دوره صفویان می‌زیست. او از علمای شیعه امامی ساکن نجف بود که در علوم عقلی و نقلی تبحر داشت. او با دربار صفویان نیز ارتباط داشت. برای اطلاعات بیشتر رک: *موسوعة العتبات المقدسه* ۶: قسم النجف (جلد ۱ و ۲) اثر جعفر خلیلی و *قصص‌العلماء اثر محمد تنکابنی*.
۷. برای فهم بهتر موضوع، عین مطلب درج شده در *روضات الجنات، و ریاض‌العلماء*

ج ۳، ص ۲۹۷)؛ ولی برخی دیگر از ایشان بنابه قاعده «دفع افسد به فاسد» - که یکی از دلایل اثبات ادعای آن‌هاست - همکاری و مشارکت با سلطان را تا حدودی صحیح و جایز دانسته‌اند (کاشف‌الغطاء، ۱۲۷۱ ق، ص ۳۹۴؛ مستوفی تبریزی، ۱۳۱۲ ق، صص ۱۰-۱۱).

پایه‌های مرجعیت عام دینی به دست محقق کرکی^۱ بنیان گذاشته شد (الموسوی الخوانساری، ۱۳۹۱ ق، ج ۴، صص ۳۶۰-۳۶۱) و با تبیین و توضیح وظایف مجتهد به وسیله وحید بهبهانی^۲ (مدرس تبریزی، بی تا، ج ۱، ص ۵۱) مستحکم شد و به کمک شیخ جعفر کاشف‌الغطاء^۳ قوام یافت و در ادامه به دست شاگرد او صاحب جواهر^۴ به شکل مانیفستی از تبیین وظایف مجتهد در احکام دینی و زندگی روزمره درآمد. این موضوع در زمان مرجعیت شیخ مرتضی^۵ تجلی عمومی یافت. از آن پس در پی بیان وظایف مجتهد و تأکید اصولیون بر اصل اجتهاد در مقابل اخباریون و اخباریگری (خلیلی، ۱۳۸۷ ق، ج ۲، ص ۶۴؛ حائری، ۱۳۶۴، ص ۸۶) این فکر مقبولیت یافت که مجتهد اعلم سزاوار تقلید همه شیعیان است (الگار، ۱۳۵۶، صص ۴۸-۴۹). به زودی در پی این تمرکز معنوی تمرکز مالی فراهم شد و این تمرکز مالی، قدرت را همراه خود آورد.

محقق کرکی در زمان صفوی صاحب قدرت و نفوذ زیادی بود. این قدرت به علمای شاخص بعدی هم منتقل شد؛ چنان‌که مقدس اردبیلی^۶ در جواب نامه شاه عباس به صراحت او را «بانی مُلک عاریه» می‌نامد (تنکابنی، بی تا، ص ۲۴۳) و شیخ قطیفی هدایای شاه طهماسب را رد می‌کند (الموسوی الخوانساری، ۱۳۹۱ ق، ج ۱، ص ۲۵؛ افندی الاصبهانی، ۱۴۰۱ ق، ج ۳، ص ۱۶).

شیخ مرتضی انصاری فقیه بزرگ عالم تشیع با استفاده از اصل اجتهاد و مرجعیت تامه، در زمان خودش مرجع مطلق شیعیان بود. او با وجود آن‌که به سیاست و حکومت کاری نداشت و در واقع نوعی مشروعیت به حاکم زمان خود داده بود و او را در جای خود پذیرفته بود، ولی با تحکیم امر اجتهاد و مجتهد مطلق، میدان عملی وسیع برای علمای بعد از خود ایجاد کرد (سعیدی، ۱۳۷۰، ص ۲۴).

بر اساس دید و درکی عمومی، عموم علمای شیعه، حکومت را از آن خدا و رسول و سپس ائمه و آنگاه نایبان ایشان می‌دانند. برای زمان غیبت دو تفسیر مطرح شده است؛ تفسیری که معتقد است علمای مذهبی نباید هیچ دخالتی در امر سیاسی و حکومتی بکنند؛ چون اذن آن را ندارند (که این دیدگاه غالب اخباریون بوده است) (حائری، ۱۳۶۴، ص ۷۶) و در مقابل، دیدگاهی که بر اساس احتجاجات^۷ عقلی و استنباطات روایی، به دخالت علما در امور حکومتی معتقد است؛ بدین نحو که اذن سلطنت و حکومت را با شرایطی خاص به سلطان می‌دهد. به این معنی که بسط ید به سلطان (حاکم سیاسی) برای حفظ مرزهای



و حیاض/الغلاء نقل می‌شود: «كَانَ السُّلْطَانُ شاه‌طهماسب قد رَسَلَ فِي مَلِكِ الْأَوْقَاتِ لَشَيْخِ إِبْرَاهِيمِ، ابواسمعیل ابراهیم بن سلیمان القطیفی الخطی البحرانی، جازةً وَرَدَّهَا الشَّيْخُ مُعْتَذِرًا بِعَدَمِ حَاجَتِهِ إِلَيْهَا، فَقَالَ لَهُ الشَّيْخُ عَلِيٌّ (ع): رَادَا عَلَيْهِ، إِنَّكَ اخْطَأْتَ فِي ذَلِكَ، وَارْتَكَبْتَ أَمَّا حَرَامًا أَوْ لَسْتَ مَكْرُوهًا بِرِيِّكَ التَّائِسِي بِأَمَامِكَ الْحَسَنِ الْمُجْتَنَبِي (ع) فِي قَوْلِهِ لِحَوَائِزِ مُعْوَبَةٍ مَعَ إِنَّكَ لَسْتَ أَعْلَى مَرْتَبَةً مِنَ الْإِمَامِ وَ لَا هَذَا السُّلْطَانُ أَسْوَأُ حَالًا مِنْ مُعْوَبَةٍ.»
۸. احتجاج: حجت آوردن؛ دلیل آوردن.

مسلمانان داده می‌شود (کاشف‌الغطاء، ۱۲۷۱ق، ص ۳۹۴).

شیخ جعفر کاشف‌الغطاء پذیرش و قبول اطاعت امر سلطان را به آن منوط می‌داند که سلطان عدالت و مساوات را مجری دارد و علاوه بر آن به تهیه مقدمات و لوازم برای پیشبرد امر مسلمین به خصوص جهاد در برابر کفار بکوشد^۱ (انصاری، ص ۱۵۴؛^۲ نراقی، بی‌تا، ص ۱۸۵)؛ در این صورت امتثال^۳ امر وی واجب است. ولی همین سلطان برای برقراری و تمهید لشکر و جامعه، از فقیه باید اجازه و اذن بگیرد و در واقع مشروعیت سلطنت او از اذنی است که فقیه مجتهد (نایب امام غایب) به او داده‌است. در دید شیعه تحمل حکومت غیر مشروع و غصب - که به اعتقاد شیعه هر حکومتی غیر از حکومت معصوم غصب است - برای حفظ مملکت شیعه و ترتیب امور شیعیان موجه است (کاشف‌الغطاء، ۱۲۷۱ق، ص ۴۶).

موضوع حفظ حدود مملکت اسلامی و امور مسلمین و یا به خطر افتادن پایگاه شیعه گاه باعث شده‌است که قدرت دینی در برابر قدرت سیاسی قرار بگیرد که نمونه بارز آن در قضیه تحریم تنباکو از جانب میرزای شیرازی مجتهد بزرگ شیعه در زمان قاجار، نمایان شد (صفایی، ۱۳۴۶، صص ۸-۱۰؛ طهران، ۱۳۶۲، صص ۲۵۳-۲۵۴).^۴

از زمان قاجار - که بیشترین فرمان‌های برگزیده مورد بحث هم به آن دوره تعلق دارد - رسایی چند از برخی از علمای مذهبی - نه لزوماً مجتهد - نیز دیده می‌شود که احتجاجات فقهی و حکمی دارند بر اثبات جدایی حکومت سیاسی و حکومت دینی^۵ (مستوفی تبریزی، ۱۳۱۲ق، صص ۱۰-۱۱؛ جعفر بن ابی اسحق، ۱۲۷۶ق، ص ۱۲۳).

این علما احتجاج می‌کردند که پذیرش سلطان حتی اگر ظالم هم باشد واجب است - پذیرش سلطان ستمگر برای رفع هرج و مرج در کشور - و استناد این ادعا را روایتی می‌دانستند که از امام اول شیعیان نقل شده‌است؛ به این معنی که سلطان حتی اگر عادل هم نباشد، ترجیح دارد بر آشوب و هرج و مرج در کشور (جعفر بن ابی اسحق، ۱۲۷۶ق، ص ۳۵).^۶ حتی بعضی از این علمای مذهبی پا را فراتر گذاشته‌اند و استدلال کرده‌اند که مجتهد عادل نمی‌تواند سلطان کامل باشد؛ به دلیل آن که تسلط و ربط ندارد و اگر نظم دین مردم را هم بدهد، نظم دنیای آن‌ها را نمی‌تواند فراهم کند (ابن محمد حسین نصرالله دماوندی، ۱۲۶۴ق، ص ۳۵).^۷

فرمان‌های تولیت

همان‌طور که اشاره شد از این نوع اسناد، در دوره‌های مختلف از زمان صفوی تا قاجار وجود دارد. در این میان برخی فرمان‌ها که از جانب شاه وقت صادر می‌شده‌است، دربارهٔ

۱. شیخ مرتضی انصاری با استناد به روایت «ولاية الفقهاء الذين هم الحكام في زمان الغيبة و النواب من الائمة» در مرجعیت سیاسی فقها تردید کرده‌است.
۲. به نقل از صالحی نجف‌آبادی. ولایت فقیه حکومت صالحان (بخش ولایت فقیه). ص ۱۹۸، ۱۴۲۳.
۳. امثال / emtasil / اطاعت؛ پیروی؛ فرمان برداری؛ فرمان‌بری.
۴. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ قضیه تحریم تنباکو، رک: التحريم الدخاني اثر شيخ حسن كربلايي و نیز كتاب تحریم تنباکو اثر ابراهیم تیموری.
۵. برخلاف دید عمومی علما مبنی بر یکی‌بودن حکومت و تعلق آن به خدا و سپس رسول او و امامان و آنگاه جانشینان ایشان.
۶. به نقل از پایان‌نامه نگارنده با عنوان: «نقش علمای عتبات در نهضت مشروطیت براساس تلگرافات ایشان»، صص ۹-۸.
۷. به نقل از پایان‌نامه نگارنده. همان.



واگذاری امر تولیت بقعه‌ای از بقاع مقدسین بوده و یا به آن مربوط می‌شده است. این گونه فرمان‌ها در عین داشتن شباهت، تفاوت‌هایی هم از نظر شکل و محتوا با دیگر فرمان‌های مرسوم^۱ دارد. همین تفاوت‌ها است که گاه برخی از سندپژوهان را درباره منشأ صدور این اسناد دچار ابهام و اختلاف کرده است.^۲

مختصات یک فرمان را بنابر شواهد و مستندات ذکر شده و یا قابل عرضه، با چند محور مشخص می‌توان تعریف کرد:

مهر فرمان که در بیشتر فرمان‌های دوره صفوی و قاجار معمولاً در وسط بالای سند دیده می‌شود. واژه «معمولاً» و «بیشتر مواقع» به این دلیل استفاده می‌شود که در برخی از فرمان‌های دوره صفوی و اغلب معدود^۳ فرمان‌های آقامحمدخان^۴، جای مهر فرمان در کنار و یا پایین سند دیده می‌شود؛ بنابراین در بیشتر فرمان‌ها جای مهر در وسط بالای سند است. هم‌چنین با سلیقه و هزینه مخاطب تزییناتی گاه بسیار ممتاز و درخور فرمان روی آن انجام می‌شده است.

در ادامه توضیح داده می‌شود که فرمان‌هایی که برای تولیت صادر می‌شده، اغلب با تزییناتی مختص به موضوع خود، خاص شده است.

مشخصات فرمان‌های تولیت و وقفی و تفاوت آن با فرمان‌های حکومتی

تشابهات

- تکیه بر فرمان بودن در متن سند؛
- عنوان «فرمان همایون شد» در مقدمه؛
- داشتن مهر بر بالای سند و در جای مهر فرمان؛
- داشتن طغرا در ابتدای متن سند؛
- همانندی ساختار متنی (تحمیدیه، مقدمه، خطاب، بدنه، نتیجه) با فرمان‌های حکومتی.
- تفاوت‌ها و مختصات خاص تولیت‌نامه‌ها
- تفاوت در شکل مهر و تزیینات آن؛
- تفاوت در سجع مهرها؛
- خطاب که همان لحن احترام است با تکیه بر وجه تفوق دینی و درجات اخلاقی و مذهبی مخاطب؛

۱. منظور فرمان‌های اعطای مناصب و لقب و یا منطقه حکومتی و غیره است.
۲. برخی از محققان منشأ صدور این «فرمان‌ها» را نه خود شاه، بلکه متولیان بقاع متبرکه دانسته‌اند که البته خود ایشان هم منتخب شاه بوده‌اند.
۳. معدود به دلیل آن‌که از دوره کوتاه او تعداد کمی فرمان وجود دارد.
۴. آقامحمدخان قاجار، اولین شاه در سلسله قاجار (۱۱۵۵-۱۲۱۱ ق).

تفاوت این اسناد در دوره‌های صفوی و قاجار

- در فرمانی از زمان شاه‌عباس^۱ که برای تولیت آستانه حضرت معصومه صادر شده‌است، بر نسق زراعات و محصولات تأکید شده‌است؛ به‌منظور: ۱. ترتیب محل‌های درآمدی و ۲. رسیدگی به املاک وقفی متعلق به آستانه (ورود به یکی از محل‌های درآمد مجتهدان و علمای شرع)؛
- از تفاوت‌های فرمان‌های صفوی، مهر شاه‌عباس است که در پایین فرمان و انتهای آن آمده‌است؛
- در فرمان‌های دوره قاجار جای مهر فرمان‌های حکومتی غالباً در بالا و وسط سند است؛
- تعداد مهرهای موجود در ظهر سندها که به‌عنوان روال دیوانی ثبت و اجرای فرمان است، در این‌گونه فرمان‌ها کمتر دیده می‌شود؛
- ابتدا و مقدمه فرمان‌های تولیت عبارتهایی متفاوت دارد که اغلب با دعا، آیات قرآن، و تحمیدیه‌های رسول و ائمه معصومین همراه است. مختصری که در بالا آمد چند وجه مشخص از تشابه‌ها و تفاوت‌هایی است که در نظر اول بین فرمان‌های تولیت دوره صفوی با دوره قاجار به چشم می‌آید. در ادامه مشخصات نمونه‌هایی از فرمان‌های تولیت‌نامه بیان می‌شود:

فرمان شاه‌عباس [تولیت‌نامه]^۲

[مهر گرد با تزیین گلدانی با دهانه و پایه، سر آن به‌شکل تاج، سجع مهر در وسط:] بنده شاه ولایت عباس ۹۹۹ [عبارت اطراف مهر که از بالای آن آغاز می‌شود:] اللهم صل علی النبی و الوصی و [البتول] و السبطین و السجاد و الباقر و الصادق و الکاظم و الرضا و التقی و النقی و الزکی و المهدی. [عبارت بالای مهر:] الملک لله [و تذهیب در اطراف آن].

[طغرا:] فرمان همایون شد آن‌که درین وقت بنابر ظهور کاردانی شرافت و رفعت پناه، سلاله اکابر الاکرام، امیر [معین‌الدین اشرف] مشهور به میرمیران ولد شرافت و افادت پناه، شریعت و نجابت دستگاه، اعالی و عوالی انتباه زیناً للشرافه و الافاده و الدین، علی‌خان بی‌کاء [بیک] اوحدی، شفقت بی‌دریغ شاهی شامل حال او فرموده، از ابتداء شش ماهه ایت‌ئیل، تولیت و تصدی کل سرکار آستانه مقدسه منوره متبرکه [در هامش بالای سند: معصومه علیها و آبائها التحیه و الثناء] را به او مَفَوَّض^۳ فرموده، مرجوع نمودم که به [واجبی]^۴ امر مزبور و لوازم آن قیام و اقدام نموده، در نسق زراعات و محصولات محال متعلقه به سرکار خیر آثار مزبور سعی موفور به‌ظهور رساند. کدخدایان و رعایا [ی] محال وقفی و مُسَلَّمی^۵ سرکار آستانه مقدسه شرافت و رفعت پناه، مومی‌الیه را متصدی دانسته، از سخن و

۱. عباس صفوی پنجمین شاه در سلسله صفویان و فرزند محمد خدابنده (۹۷۸-۱۰۳۸ق.).

۲. با شماره ۳ در مجموعه اسناد مخزن خطی کتابخانه ملی وجود داشته‌است؛ ولی به‌علت جابه‌جایی مجموعه اسناد، شماره آن قابل‌بازایی نیست. تصریح این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد، به‌دلیل آن‌که امکان گذاشتن شماره وجود ندارد.

۳. مَفَوَّض / mofavvaz / تفویض شده؛ واگذار شده.

۴. وظیفه؛ مقرر.

۵. بخشودگی مالیاتی؛ معافیت؛ رهایی.



صلاح او که از باب تکثر زراعت و عمارت و توفیر محصولات سرکار مزبور گوید بیرون نروند و [یک من بار] بی‌وقوف و شعور او رفع نموده، لوازم امر مزبور را مخصوص او شناسند. متولی و مستوفی سرکار آستانه مقدسه و متولیان قدیمی، مشارالیه را متصدی مجال متعلقه به آن سرکار دانسته، دست تصدی او را درین باب [ریاست] قوی و مطلق دانسته [دانند] و رسوم و حق‌السعی تصدی را به دستوری که در وجه متصدیان سابق مقرر و معمول بوده، مخصوص او دانسته و اصل سازند؛ درین باب قدغن دانسته از فرموده درنگذرند و هر ساله حکم مجدد نطلبند [نطلبند]. تحریراً فی شهر جمادی‌الاول سنه ۱۰۰۷. این سند به تصریح متش فرمانی است متعلق به شاه‌عباس درباره و اگذاری تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه (ع) به شخصی و دستور به رسیدگی به املاک و متعلقات آن. موضوع فرمان (واگذاری تولیت آستانه مقدسه و رسیدگی به وضع درآمدها و متعلقات آن) علی‌القاعده در حوزه وظایف مجتهدان و روحانیون قرار داشته‌است؛ ولی سلطان وقت بنابه امر تصدی - که پیشتر هم به آن اشاره شد - در اختیارات این حوزه دخالت کرده‌است؛ یعنی شاه (مظهر حکومت سیاسی) در جایگاه جانشین امام معصوم (مظهر حکومت دینی) قرار گرفته‌است.

سند دیگر:

[احتمالاً سواد فرمان موقوفی] شاه‌عباس^۲

[مهر فرمان در وسط بالای سند با سجع]:

هو الله سبحانه

الملك لله

بسم الله الرحمن الرحيم

یا محمد یا علی

ابوالمظفر عباس الصفوی الحسینی الموسوی [ناخوانا]

موضع مهر مبارک اشرف اقدس [ناخوانا] فردوس مکانی چون درین وقت سیادت و فضیلت پناهی، تقوی شعارین سیدکمال محمود و سید تقی‌الدین محمد اولاد سیادت و مغفرت پناهی کمال‌الدین قاضی عطاءالله حسینی طالقانی به عز عتبه بوسی مشرف شده [اند] و قضیه و احکام مطاعه که در باب وقفیت قریه سوهان طالقان از آبی و دیمی و کوه و رود و توابع و لواحق که حکام جیلان براه؟ برای ایشان وقف نموده بوده‌اند، ابراز نمودند و التماس امضاء آن [را] از عواطف شاهی کردند. بنابر کمال توجه خاطر عاطر^۳ به انتظام حال سادات رفیع‌الدرجات و حصول مقاصد و آمال ایشان، محل مذکور را مالاً و منالاً حسب‌الظهر به معافی و مُسَلَّمی ایشان داده شفقت فرمودیم که عَمال و تیول‌داران و

۱. در متن جمیدی‌الاول

۲. به شماره ۴ در مجموعه اسناد مخزن

خطی کتابخانه ملی وجود داشته‌است؛ ولی

به دلیل جابه‌جایی مجموعه اسناد، شماره آن

قابل‌بازیابی نیست. تصریح این نکته ضروری

به نظر می‌رسد، به دلیل آن‌که امکان گذاشتن

شماره وجود ندارد.

۳. عطرآمیز؛ معطر؛ خوش‌بو.

کلاتران و داروغه‌گان و کدخدایان [ناخوانا] مذکور حسب‌المسطور مقرر [دارند]، محل مذکور را موضوع و مستثنی دانند و [بر ایشان] معاف و مرفوع‌القلم^۱ شناسند و یک دینار و یک [ناخوانا] از ایشان طلب و توقع نمایند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند؛ و اصلاً به علت و اخراجات مسدوده‌الابواب^۲ از علیقه و علوفه و [ناخوانا] و طرح و دست‌انداز و [الاغ] و الام^۳ و [پیشکار]، شکار و کوه‌باج و سلامی و پیشکش و سایر اخراجات به هر اسم و رسم که باشد تعرض نرسانند و پیرامون برزگران و خوش‌نشینان و متعلقان و نوکران و چوپانان آن نگردند و گذارند که به فراغ بال به [ناخوانا] و زراعت این محل قیام نماید [نمایند]. مستوفیان دیوان اعلی به موجب مسطور مقرر شناخته [شناسند] رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نمایند و هر ساله حکم مجدد نطلبند [که] در این باب قدغن می‌باشد. کتب بالأمر العالی فی شهر ربیع‌الاول ثمانی و تسعین و تسعمائه»

نکته دیگری که در میان اسناد مذکور به چشم می‌آید، توجه و فرمان برای رسیدگی به وضعیت اراضی و املاک وقفی است؛ بدین معنی که فرمانی به درخواست متولی وقف صادر می‌شده است مبنی بر: ۱. تأیید صحت وقفیت املاک و اراضی مدنظر؛

۲. تأیید و دستور به معافیت املاک وقفی از مالیات و اخراجات معموله دیگر اراضی. درست است که حکم وقفیت محل قبلاً صادر شده - که احتمالاً زیر نظر مجتهد و یا امام جمعه وقت بوده است - ولی تأیید آن و نیز مرفوع‌القلم بودن از مالیات و اخراجات دیگر باید زیر نظر و به فرمان سلطان وقت می‌بوده است. این یعنی دوگانه حاکمیت سیاسی و مذهبی در یک قالب و به بیانی دیگر مبسوط‌الید بودن سلطان در امور دین و دنیای مردم. در دوره قاجار این قاعده بیشتر و عیان‌تر خود را نشان داده است؛ بدین معنی که در فرمانی‌هایی با همین مشخصات اختیارات سلطان در جایگاه مجتهد و روحانی وقت نمایان است.

سندی از ناصرالدین شاه^۴:

این سند یکی از استنادات ادعای درهم‌شدن جایگاه حکومت سیاسی و حکومت دینی در شخص سلطان وقت (ناصرالدین شاه) است. این سند که از مجموعه اسناد موجود در مخزن کتابخانه ملی به دست آمده^۵، دست‌نوشته‌ای است از ناصرالدین شاه که در حاشیه بالای برگه از کتابچه دخل و خرج درباره موقوفه‌ای در آستانه مقدسه که برای تعیین تکلیف جمع و خرج آستانه و متولی‌باشی آن نوشته شده است.^۶

متن یادداشت

«ملاحظه شد؛ جمع و خرج حضرت آستانه مقدسه را متولی‌باشی در کمال خوبی و تنقیح

۱. مرفوع‌القلم شدن: رفع تکلیف شدن؛ مکلف نبودن.
۲. منظور هزینه‌هایی است که محل تأمین آن وجود ندارد.
۳. نوعی خراج
۴. چهارمین شاه در سلسله قاجار (۱۲۴۷-۱۳۱۳ ق).

۵. به شماره ۴۵ در مجموعه اسناد مخزن خطی کتابخانه ملی وجود داشته است؛ ولی به علت جابه‌جایی مجموعه اسناد، شماره آن قابل‌بازایی نیست. تصریح این نکته ضروری به نظر می‌رسد، به دلیل آن که امکان گذاشتن شماره وجود ندارد.
۶. در حال حاضر مشخصات سند به دلیل جابه‌جایی آن در سازمان معلوم نیست.
۷. علی‌القاعده شاه در مسائل متولیان آستانه‌های مقدسه و موقوفات آن نباید نقشی تعیین‌کننده داشته باشد و تنها باید نظاره‌گر تصمیم مجتهد و فقیه وقت و یا حداکثر صحت‌گذار تصمیم او باشد.



نوشته و ثبتش^۱ کرده‌است و از همین قرار ان‌شاءالله صحیح است. من بعد نباید ابداً تغییر و تبدیلی در آن داده شود و مخارج را نه بی‌جهت اضافه نمایند و نه کسر؛ و تا محل در آستانه مقدسه پیدا نشود، بعد از این متولی‌باشی مأذون نیست به احدی دیناری بدهد یا برقرار نماید؛ مگر این که محل آن حاضر باشد. سنه ۱۳۰۳ ایت‌ئیل.»

تأکید بر این که متولی‌باشی مأذون نیست که خودش تصمیم‌گیر و انجام‌دهنده دخل و خرج باشد مگر به اذن سلطان و شرایطی که او تعیین کرده‌است، وجه بارز این نوشته و مدنظر نگارنده است. نقش شاه در اینجا با توجه برخی از روحانیون و اذن مجتهدان، در جایگاه جانشین امام معصوم و انجام وظایف اوست.

دو فرمان (تولیت‌نامه) مظفرالدین‌شاه^۲

فرمان اول

مشخصات این فرمان هم همانند دیگر فرمان‌های شاه است؛ با برخی تفاوت‌ها؛ مانند مهر فرمان با سجع متفاوت، طغرا، تحمیدیّه مفصل‌تر از بسیاری فرمان‌ها که در ابتدا و مقدمه فرمان آمده‌است و سپس موضوع فرمان و در پایان اختتامیه فرمان با ذکر تاریخ.

متن فرمان

[در بالای فرمان]:

بسم‌الله‌تعالی

العزیز شانه

[جای مهر در وسط بالای سند، سجع مهر متفاوت با دیگر مهرهای شاه که به مناسبت‌های مختلف صادر می‌شده‌است.] [سجع وسط مهر: العزة لله یا ولی الله ابوالحسن علی ابن موسی الرضا؛ [سجع حاشیه مهر: یا قاهر العدو و یا ولی [ناخوانا] یا مظهر العجائب یا مرتضی علی].

[طغرا: الملک لله تعالی الحمد لله علی دلالتہ لدینہ والصلوٰة والسلام علی رسولہ و امینہ و علی آله و اولاده المیامین^۳ سلام‌الله علیهم اجمعین. [مقدمه: و بعد چون خداوند قدیر و مالک‌الملک یگانه بی‌نظیر، به حکم قضا و امر تقدیر، مرقد مطهر و روضه منور ما را در خطه طوس رشک ریاض رضوان و مرکز دایره امکان و مَطاف ملوک زمین و ملائک آسمان قرار داد، هر ارادتمندی که جبهه ضراعت^۴ به خاک پاک این درگاه سود، تارک افتخار به عرض اعلی رسانید و هر کرا^۵ سعادت ابدی مقرون گشت، حلقه چاکری این خاندان را آویزه گوش هوش خود ساخت. از جمله [مخاطب فرمان: جناب عمده الاعظم والتجار آقامیرزا بزرگ معاون التجار طهرانی است که در این سال سعادت مآل شرفیاب آستان عرش مثال گردیده، به واسطه شایسته^۶ از عاکفان عتبه عرش مرتبه علیّه، استدعای خدمت جاروب‌کشی را که تالی رتبه مالک است نموده. چون هریک از بندگان را از فیوضات

۱. در متن: سبطش

۲. به شماره ۲۱۲ در مجموعه اسناد مخزن خطی کتابخانه ملی وجود داشته‌است؛ ولی به علت جابه‌جایی مجموعه اسناد، شماره آن قابل‌بازرسی نیست. تصریح این نکته ضروری به نظر می‌رسد، به دلیل آن که امکان گذاشتن شماره وجود ندارد.

۳. میامین. جمع میمون، به معنی مبارک و نیکبخت.

۴. فروتنی؛ خواری.

۵. هرکه را.

۶. در متن شایسته.

این درگاه ملائک سجده گاه بهره و نصیبی مقرر است، استدعای او به عزّ قبول مقرون [شد] و مقرر آن که حاجب خاص دربار گردون مدار و جاروب کشِ حقیقی سرکار فیض آثار میرزا ابوالقاسم خان نصیرالملک^۱ زید توفیقانه که به نیابت مخصوصه ذات ملکوتی صفاتِ اعلیٰ حضرتِ قدر قدرتِ سلطان السلاطین قهرمان الماء والطين ظل الله الممدود فی الارضین السلطان مظفر الدین شاه قاجار خَلَدَ اللهُ ملکه و دولته، به تولیت آستان آسمان ایوانِ هشتمین خلیفه خالق آسمان و زمین مشرف و مفتخرند [جایگاهی و رای حکومت سیاسی برای شاه]، جناب معاون التجار را خادم تشرّفی کشیک پنجم دانسته، قدغن نماید عمّال خجسته اعمال امتیاز مرتبه و مقام او را منظور داشته جنابان سعادت اکتسابان کتبه دفترخانه مبارکه سرکار فیض آثار منشور^۲ قضا دستور را در دفاتر خلود و دوام ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند. فی شهر جمادی الآخر سنه ۱۳۲۰.

جایگاه حکومت دینی و حکومت سیاسی در این فرمان کاملاً بهم آمیخته است. درست است که این فرمان یعنی تعیین خدای آستانه مقدسه تنها بخشی کوچک از یک اعتباردهی است، ولی دخالت در این موضوع خود وجهی است از اثبات حق دخالت و اعمال قدرت شاه در این جایگاه کاملاً دینی و متعلق به عالم مذهب؛ و البته این سؤال را مطرح می کند که تعیین تولیت آستانه های مقدسه که از زمان قاجار به دست شاه انجام می شده و در دوره پهلوی نیز امتداد داشته است، کدام وجه از حکومت سیاسی را معنا می دهد؟

فرمان دوم با همان مضمون، ولی با اندکی تفاوت^۳

متن فرمان

بسم الله الرحمن الرحيم

[مهر فرمان در وسط بالای سند با سجع: اللهم صلی علی النبی والوصی [والحسن والحسین و علی] والباقر [والصادق] والکاظم والرضا والتقی [والنقی] والعسکری والهادی والمهدی صاحب الزمان علیه السلام. قال رضا علیه السلام: «من زار فاطمه بقم، وجبت له الجنة» [سجع مهر با موضوع فرمان که به آستانه حضرت معصومه در قم مربوط است تفاوت دارد].

[بدون طغرا] [مقدمه تحمیدیه: الحمد لله الذی اقرب من دعی و اسرع من اجاب و الصلوة والسلام علی محمد و اولاده الاخیار الاطناب الانجاب و بعد [استناد و استدلال به موضوع فرمان]: [استناد: چون به مفاد آیه کریمه والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا و لئن شکرتم لازیدنکم، [استدلال: هریک از بندگان که طریقه عبادت حضرت پروردگار

۱. تولیت آستانه بوده است.

۲. حکم و فرمان سرگذشته امیران و پادشاهان است که در آن لطف یا بخشی صورت می گیرد. منشور برای واگذاری شغل و منصب وزارت و اشراف و تولیت و امثال آنها به کار می رفته است؛

مانند منشور وزارت، منشور قضا. ۳. به شماره ۲۱۴ در مجموعه اسناد مخزن خطی کتابخانه ملی وجود داشته است؛ ولی به علت جا به جایی مجموعه اسناد، شماره آن قابل بازیابی نیست. تصریح این نکته ضروری به نظر می رسد، به دلیل آن که امکان گذاشتن شماره وجود ندارد.



را به قدم مجاهدت پیمایند و پیروی خاندان رسالت را با خلوص عقیدت نمایند، بر رأی عصمت‌آرای این خاندان است که اسباب مفاخرت دنیا و آخرت او را مهیا فرمایند؛ از جمله خانه‌زاد مخصوص پاک‌فطرت غلام‌زاده رسول کریم و ائمه اطهار عبدالله ابن عبدالله عباس میرزای قاجار ولیعهد دولت علیّه ایران ملقب به حشمت‌الدوله که از بدو عمر، جان‌نثار محبت اجداد طاهرینهم صلوات‌الله علیهم اجمعین بوده، از واقفان عتبه عرش مرتبه، استدعای جاروب‌کشی که تالی حور و ملک است نموده [است]. از آنجاکه هریک از بندگان را در فیض بهره و نصیبی مقرر است، به واسطه نیکی عقیدت و پاکی طینت؛ استدعای نواب مستطاب معظم‌الیه به شرف قبول مقرون و مفتخر دارین بین‌الامثال^۱ و اقران شد. مقرر آن‌که حاجب آستان غلمان‌پاسبان، متولی باشی، مستطاب اشرف والا حشمت‌الدوله را منصب جلیل کفشداری مخصوص این آستان منصوب دانسته، قدغن نماید عمال خجسته‌اعمال، معزی‌الیه را به شرف خدمت جبرئیل مرتبت کفشداری مشرف شناخته، امتیاز مرتبه و مقام او را منظور داشته، کتاب سعادت‌اکتساب شرح منشور مدارک را ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند. تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۲۰.

موضوع این سند تعیین کفشدار و جاروب‌کش آستان مقدس است و دستور به متولی - که خود برگزیده شاه است - بر شناختن این جایگاه و مرتبه برای صاحب فرمان. این‌که شاه از کدامین جایگاه حکومتی می‌تواند چنین امری را صادر کند، بحثی است که قبلاً بدان پرداخته شد.

نمونه‌هایی دیگر از فرمان‌هایی که با خصوصیات مذکور مشخص و ممتاز شده‌اند: دو سند از فرمان‌های احمدشاه^۲ - که در میان شاهان قاجار کمترین تعداد فرمان را دارد - در اینجا آورده می‌شود. این دو نمونه فرمان به سبب موضوع آن، مهر و سجع و نیز مخاطبان، در بین اسناد در جایگاهی ویژه قرار دارند.

هر دو نمونه سواد فرمان است با مهر در بالای سند:^۳
[مهر فرمان وسط سند بالا با سجع]: [سجع وسط مهر]: العزة لله يا ولي الحسن علي
ابن موسى الرضا [سجع حاشیه مهر]: يا قاهرالعدو و يا والي يا مظهرالعجائب يا مرتضى
علي.^۴

[بدون طغرا] [مقدمه متن، تحمیدیّه خدا و رسول]: سپاس و ستایش و حمد و نیایش لایزالی را سزاوار و رواست که این گنبد گردون [ناخوانا] را بی طناب و ستون برافراخت و سطح زمین را بر فراز آب ساکن و مقرر ساخت. سپس صلوات زاکیات بر روان پاک سید کائنات و علت ممکنات و آل‌اطهار آن رسول مختار که یکی از شئون او است خلق عظیم، لازم‌الصلوة والتکریم، مادامت النجوم سائره والافلاک دائره؛ و بعد

۱. جمع مثل، مانند، منظور نمونه‌هاست.

۲. آخرین شاه در سلسله قاجار (۱۳۷۵-۱۳۰۸ ش).

۳. به شماره ۱۰۰۵۱ در مجموعه اسناد مخزن خطی کتابخانه ملی وجود داشته‌است؛ ولی به علت جابه‌جایی مجموعه اسناد، شماره آن قابل‌بازرسی نیست. به نظر می‌رسد این تصریح ضروری است، به دلیل اینکه امکان گذاشتن شماره سند وجود ندارد.

۴. این سجع مهر در میان مهر فرمان‌های مظفرالدین‌شاه نیز دیده شده‌است.

متوسلین به خاندان رسالت و مُتَبَتِّلین^۱ به آستان امامت، افتخار دو سرا را به جاروب‌کشی دربار گردون‌مدار ولایت می‌دانند و در مقام برانگیختن وسیله طوف حریم کعبه کوی ما می‌باشند. [مخاطب فرمان:]: مصداق این مقال چهره‌گشایِ حال، سعادت‌مند ارجمند و چاکر برومند فتح‌علی خان اعظم‌السلطنه پسر غلام‌علی خان سردار مُنظَّم با نهایت ضراعت استدعای خدمتی نموده [است:]; [تأکید بر جایگاه صادرکننده فرمان و در واقع یکی شدن مصدر حکومت سیاسی و حکومت دینی] لذا از مصدر امامت، امر و مقرر می‌شود [که] چاکر خاص برگزیده و مهین فدوی پسندیده، میرزا محمدولی اسدی^۲ که به نیابت مخصوصه تولیت این آستان مینوشان مفتخر و مباحی است، معزّی‌الیه را به خدمت خادمی تشریفی در کشیک ثانی برقرار [نماید] و بدین عارفه کبری ممتاز بوده که فرق افتخار به فرقدان سایید و کتبه کرام مدلول فرمان مبارک را ثبت نموده، در عهده شناسند. فی شهر جمادی الاول ۱۳۴۵.

[در حاشیه داخل متن:]: به مهر مبارک سرکار فیض آثار مزین شود.

تعیین تکلیف برای نایب‌التولیه آستان مقدس که خود نیز از جانب شاه انتخاب شده‌است، از موضوعات مهم در این سند است. سند بعدی هم فرمانی است متعلق به احمدشاه و درباره رضاخان سردار سپه که به دلیل مخاطب و موضوع آن اهمیتی ویژه یافته‌است.

این سواد فرمان احمدشاهی بدون مهر و تنها با ذکر جای مهر در بالای فرمان آمده‌است. طغرا ندارد و تحمیدیه‌ای طولانی در ابتدا دارد. نثری بسیار موزون و مسجع دارد همراه با القابی غلوآمیز درباره مخاطب و موضوع فرمان.

سواد فرمان^۳

بسم الله الرحمن الرحيم

[مقدمه تحمیدیه] الحمد لله الذی جعلنا من امة سید المرسلین محمد الخاتم النبیین و من المتمسکین بحبل ولایة سید الاوصیاء علی ابن ابیطالب والائمة الاعز المیامین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین. [مقدمه‌ای که با تمجید از مقام مخاطب همراه است:]: و بعد بر هر عاقل بصیر بینا و بر هر عالم خبیر دانا واضح و لایح^۴ است که تاج کرامت بر سر نهادن و اکیل شرافت زیب تارک مباهات نمودن و سعادت دازین را جامع و دارابودن، سزاوار و شایان و درخور شأن آن نیک‌بخت سعادت‌مندی است که از روی حقیقت و خلوص نیت و صفای عقیدت متشبث به ذیل ولاء خاندان جلیله رسالت و ولایت گردیده و از دل و جان غاشیه^۵ خدمتگزاری آنان «علیهم صلوات الله الملك المنان» را زیب دوش افتخار خویش نموده و ادنی درجه خدمت ایشان را بر اعلی رتبه ریاسات عالیّه ترجیح داده باشد

۱. متبتل / motabattel / زاهد؛ گوشه‌نشین؛ آن‌کس که به خدا گرویده و از ماسوای او بریده‌است.

۲. محمدولی اسدی مصباح دیوان (۱۲۵۷-۱۳۱۴ ش)، فرزند میرزا علی‌اکبر که به دلیل انتساب به برخی از رجال سرشناس شد و در ۱۳۰۵ ش به نیابت تولیت آستان مقدس رضوی منصوب شد. او در جریان حذف مخالفان رضاشاه محکوم و اعدام شد (بامداد، مهدی. ۱۳۷۱). شرح حال رجال ایران... ج ۴. صص ۱۶-۱۵.

۳. به شماره ۱۱۳۱ در مجموعه اسناد مخزن خطی کتابخانه ملی وجود داشته‌است؛ ولی به علت جابه‌جایی مجموعه اسناد، شماره آن قابل‌بازایی نیست. این تصریح به این دلیل ضروری است که امکان گذاشتن شماره سند وجود ندارد.

۴. هویدا؛ آشکار.

۵. پوشش؛ نوعی جامه.



و چون این معنی در حق [مخاطب:] حضرت مستطاب جلالت‌مآب اجل اکرم افخم، یگانه دوران و یکه‌مرد ایران آقای رضاخان سردار سپه و وزیر جنگ دولت ابدمدت علیه دام اقباله‌العالی و اجلاله‌المتعالی محقق [شده] و به درجه ثبوت کاملاً رسیده [است] و علاوه [بر این]، به‌حسب اظهارات جناب مستطاب سلیل‌الاطیاب^۱ الایجاب، افصح‌المتکلمین و اکمل‌المحدثین آقای معاون‌التولیه دامت برکاته، مراتب حسن اداره و خدمات شایان آن حضرت که به حُسن فطرت و صفای طویّت^۲ به عالم اسلامیت و دیانت و مذهب و ملت نموده و درجات پاسداری از رعیت و انتظام مملکت ایشان گوشزد اولیاء امور فیض منظور روضه مبارکه و عتبه عرش درجه حضرت ابی‌الفضل العباس علیه‌السلام گردیده، لهذا محض مزید شرافت و تکثر سعادت آن حضرت، از طرف قرین‌الشرف آستان ملائک پاسبان، معظم را در سلک فراشان و جاروب‌کشان سعادت‌اقتران منتظم و برقرار [نمودیم] و به‌جهت تشرف به این شرافت، یک ثوب عبا و یک قبضه شمشیر از متبرکات عتبه مقدسه برای آن حضرت به‌توسط آقای معاون‌التولیه خلعت انفاذ شد که در مجمع علماء اعلام و ملائک من‌الناس به معظم‌له ایصال داشته که بدین منصب جلیل و خلعت نبیل بین‌النظار و الاقران مفتخر و مباهی باشند و جناب مستطاب سیدالاشراف و اشرف‌السادات آقای حاج معین‌التولیه آقاسیدهاشم، سیدفتح‌الله دام مجده را به‌نیابت ایشان اختیار که در هر چهار روز یک روز نیابتاً در سر خدمت حاضر و در عهده نماید. المقرر عموم مستوفیان و کارگزاران ملک‌احتشام این آستان، ایشان را بدین منصب جلیل مخصوص دانسته، صورت فرمان را منشیان و دبیران آستان در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند؛ و کان ذلک فی سابع شهر رمضان المبارک [پارگی سند همراه با امضا و مهرهایی در هامش آن].

تعیین تکلیف برای متولی آستانه به‌اضافه تصریح جایگاه بلندمرتبه معنوی و دینی برای مخاطب فرمان و نیز تعیین شکل خدمت‌رسانی مخاطب در حرم آستانه مقدسه، از جایگاه سیاسی شاه و سلطان وقت برنمی‌آید و تنها زمانی امکان صدور چنین احکامی فراهم است که شاه در موقعیتی و رای حکومت دینی پذیرفته شده و قرار گرفته باشد.

نتیجه

موضوع رابطه حکومت سیاسی و حکومت دینی از زمان شیخ طوسی مطرح و در متون شیعی وارد شد و بعداً به‌دست علمای بعد شرح و تفصیل و تکمیل شد و در زمان حکومت قاجارها و به‌ویژه از زمان فتح‌علی‌شاه به‌بعد به‌اوج خود رسید. شاهان قاجار به‌مانند سلاطین دوره‌های قبل در پی آن بودند که برای خود مشروعیت دینی و نیز مقبولیت عامه فراهم کنند؛ بنابراین در آن زمان رساله‌هایی گوناگون در تفکیک و تداخل این دو وجه

۱. حلال‌زاده.

۲. باطن.



حکومت (وجه دیانت و وجه سیاست) نگاشته شد. مناقشه‌ای بین علمای مذهبی به وجود آمد بر سر آن که برخی، حکومت در عصر غیبت را غصب دانستند و برخی دیگر به شرط اصلاح امور و برای رفع فساد، آن را جایز دانستند.

بهانه تحلیل این چند فرمان در این مقاله، علاوه بر توصیف تفاوت‌های شکلی و ساختاری این اسناد با فرمان‌های سیاسی و حکومتی صادره در دوره‌های صفوی و قاجار، اشاره به نکته محوری محتوای آنهاست که درباره جمع دو شکل حکومت سیاسی و حکومت دینی در شخص شاه است؛ یعنی دخالت حاکم سیاسی در اموری که مستقیماً باید زیر نظر روحانی و یا مجتهد وقت انجام می‌شد. این اختیار فقط به دلیل مشروعیت و اذنی توجیه‌پذیر است که سلطان برای حضور در جایگاه قدرت (سیاسی و دینی) از جانشین امام معصوم و ولی امر مسلمانان داشته‌است.

منابع

نسخه خطی

ابن محمد حسین، نصرالله دماوندی. (۱۲۶۴ق). *تحفة الناصری* (رساله خطی). تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۲۶۵۳.

مستوفی تبریزی، علی بن احمد. (۱۳۱۲ق). *رساله حقوق دول و ملل متمدن* (تحفة خاقانیه). کما ۸۱۱۷.

کتاب

الحسینی الشیرازی، سیدمحمد. (بی تا). *ایصال الکاتب الی المکاسب*. (ج ۳). طهران: مؤسسه علمی.

الگار، حامد. (۱۳۵۶). *دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار*. تهران: توس.

افندی الاصبهانی، میرزا عبدالله. (۱۴۰۱ق). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*. (ج ۳). (سید محمود مرعشی، کوشش گر). قم: خیام.

الموسوی الخوانساری، محمدباقر. (۱۳۹۱ق). *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*. (ج ۱، ج ۴). قم: ارم.

بامداد، مهدی. (۱۳۷۱). *شرح حال رجال ایران... (ج ۴)*. تهران: زوار.

تنکابنی، محمد. (بی تا). *قصص العلماء*. تهران: علمیه اسلامیة.

تیموری، ابراهیم. (۱۳۶۱). *تحریم تنباکو*. تهران: جیبی.

جعفر بن ابی اسحق. (۱۲۷۶ق). *تحفة الملوک (رساله سنگی)*. (بی جا).

حائری، عبدالهادی. (۱۳۶۴). *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*. تهران: امیرکبیر.

خلیلی، جعفر. (۱۳۸۷ق). *موسوعة العتبات المقدسه ۶: قسم النجف*. (جلد ۱ و ۲). بغداد: دارالمعارف.



دوانی، علی. (۱۳۶۲). *وحید بهبهانی*. تهران: امیرکبیر.
صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله. (۱۳۶۳). *ولایت فقیه: حکومت صالحان*. تهران: رسا.
صفایی، ابراهیم. (۱۳۴۶). *اسناد سیاسی دوران قاجاریه*. تهران: شرق.
طهرانی، شیخ‌آقازرگ. (۱۳۶۲). *میرزای شیرازی*. (حمید تیموری، مترجم). تهران: میقات.
عنایت، حمید. (۱۳۶۲). *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*. (بهاء‌الدین خرمشاهی، مترجم). تهران: خوارزمی.
کاشف‌الغطاء، شیخ‌جعفر. (۱۲۷۱ق). *کشف‌الغطاء عن خفیات مبهمات شریعة الغراء*. (بی‌جا).
مدرس تبریزی، محمدعلی. (بی‌تا). *ریحانة الادب*. (ج ۱ و ج ۶). تبریز.
نراقی، ملااحمد. (بی‌تا). *عوائد الایام*. قم: ارم.

پایان‌نامه

سعیدی، حوریه. (۱۳۷۰). «نقش علمای عتبات در نهضت مشروطیت». دانشگاه تهران.

English Translation of References

Manuscripts

Ibn Mohammad Hossein, Nasrollah Damavandi. (1264 AH/ 1848). “Tohfāt-on-nāseri (resāleh xatti)” (Naseri masterpiece: The manuscript). Tehran: Ketābxāne Markazi-ye Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran Central Library). Retrieval number: 2653. [Persian]

Mostowfi Tabrizi, Ali Ibn Ahmad. (1312 AH / 1894). “Resāle-ye hoquq-e doval va melal-e motemadden: Tohfe-ye xaqanieh” (The treatise on the rights of the civilized states and nations: Khaghani masterpiece). KAMA. Retrieval number: 8117. [Persian]

Books

Afandi Al-Esbahani, Mirza Abdullah. (1401 AH / 1981). “*Riāzol-olamā’ va hayāzol-fozalā*” (Gardens for scholars and watersheds for wise men) (vol. 3). Edited by Seyyed Mahmoud Mar’ashi. Qom: Xayyām. [Persian]

Algar, Hamed. (1356/1977). “*Din va dolat dar Irān: Naqš-e olamā dar dowre-ye Qājār*” (Religion and state in Iran 1785 -1906: The role of the Ulama in the Qajar



- period). Tehran: Tus.[Persian]
- Al-Hoseini Al-Shirazi, Seyyed Mohammad. (n. d.). *“Isāl-ol-kāteb elal-makāseb”* (Connecting the author to the gains) (vol. 3). Tehran: Moa’assese-ye ‘Elmi.[Persian]
- Al-Mousavi Al-Khansari, Mohammad Bagher. (1391 AH / 1971). *“Rowzātol-jannāt fi ahvāl el-olamā’-e vas-sādāt”* (Gardens of paradises on the biographies of scholars and Sadat [descendants of the Prophet]) (vol. 1 & 4). Qom: Eram.[Persian]
- Bamdad, Mahdi. (1371/1992). *“Šarh-e hāl-e rejāl-e Irān”* (Dictionary of national biography of Iran) (vol. 4). Tehran: Zovvār.[Persian]
- Davani, Ali. (1362/1983). *“Vahid Behbahāni”* (VahidBehbahani). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Enayat, Hamid. (1362/1983). *“Andiše-ye siāsi dar Eslām-e mo’āser”* (Modern Islamic political thought). Translated by Baha Al-Din Khorramshahi. Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Haeri, Abdulhadi. (1364/1985). *“Tašayyo’ va mašrutiat dar Irān va naqš-e Irāniān-e moqim-e Arāq”* (Sh’ism and constitutionalism in Iran:A study of the role played by the Persian residents of Iraq in Iranian politics). Tehran: Amir Kabir.[Persian]
- Jafar Ibn Abi Eshagh. (1276 AH / 1859). *“Tohfāt-ol-moluk (resale-ye sangi)”* (A masterpiece for kings: Stone treatise). n. p.: n. p.[Persian]
- Kashef Al-Gheta, Sheikh Jafar. (1271 AH / 1855). *“Kašfol-qetā’ an-el-xafiāt-e mobhamāt-e šari’at-el-gerā”* (Uncovering the ambiguous mysterious issues of Shari’a). n. p.: n. p.[Persian]
- Khalili, Jafar. (1387 AH / 1967). *“Mowsu’atol-atabāt el-moqaddasa 6: Qesmon-Najaf”* (Encyclopedia of the holy Al-Atabat [four cities of Iraq, namely Najaf, Karbala, Kadhimiya and Samarra] 6: The part on Najaf) (vol. 1 & 2). Baghdad: Dārol-Ma’āref.[Persian]
- ModarresTabrizi, Mohammad Ali. (n. d.). *“Reyhānatol-adab”* (The garden of literature: The collection of biographies and works of the Islamic scholars, mystics, philosophers, men of literature and poets) (vol. 1 & 6). Tabriz.[Persian]
- Naraghi, Molla Ahmad. (n. d.). *“Avā’edol-ayyām”* (The findings of a lifetime). Qom.



Eram.[Persian]

Safayi, Ebrahim. (1346/1967). *“Asnād-e siāsi-ye dōwṛān-e Qājārieh”* (Political documents of the Qajar era). Tehran: Šarq.[Persian]

Salehi Najaf Abadi, Nematullah. (1363/1984). *“Velāyat-e faqih: Hokumat-e sālehān”* (Guardianship of the Islamic jurist: Government of the righteous). Tehran: Rasā. [Persian]

Tehrani, Sheikh Agha Bozorg. (1362/1983). *“Mirzā-ye Širāzi”* (MirzayeShirazi). Translated by Hamid Teymouri. Tehran: Miqāt.[Persian]

Teymouri, Ebrahim. (1361/1982). *“Tahrim-e tanbāku”* (Prohibition of tobacco). Tehran: Jibi.[Persian]

Tonekaboni, Mohammad. (n. d.). *“Qesasol-olamā”* (The stories of scholars). Tehran: ‘Elmie-ye Eslāmieh. [Persian]

Dissertations

Saeedi, Hourieh. (1370/1991). *“Naqš-e olamā-ye atabāt dar nehzat-e mašrutiat”* (The role of religious scholars of Al-Atabat [four cities of Iraq, namely Najaf, Karbala, Kadhimiya and Samarra] in the constitutional movement). Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran).[Persian]



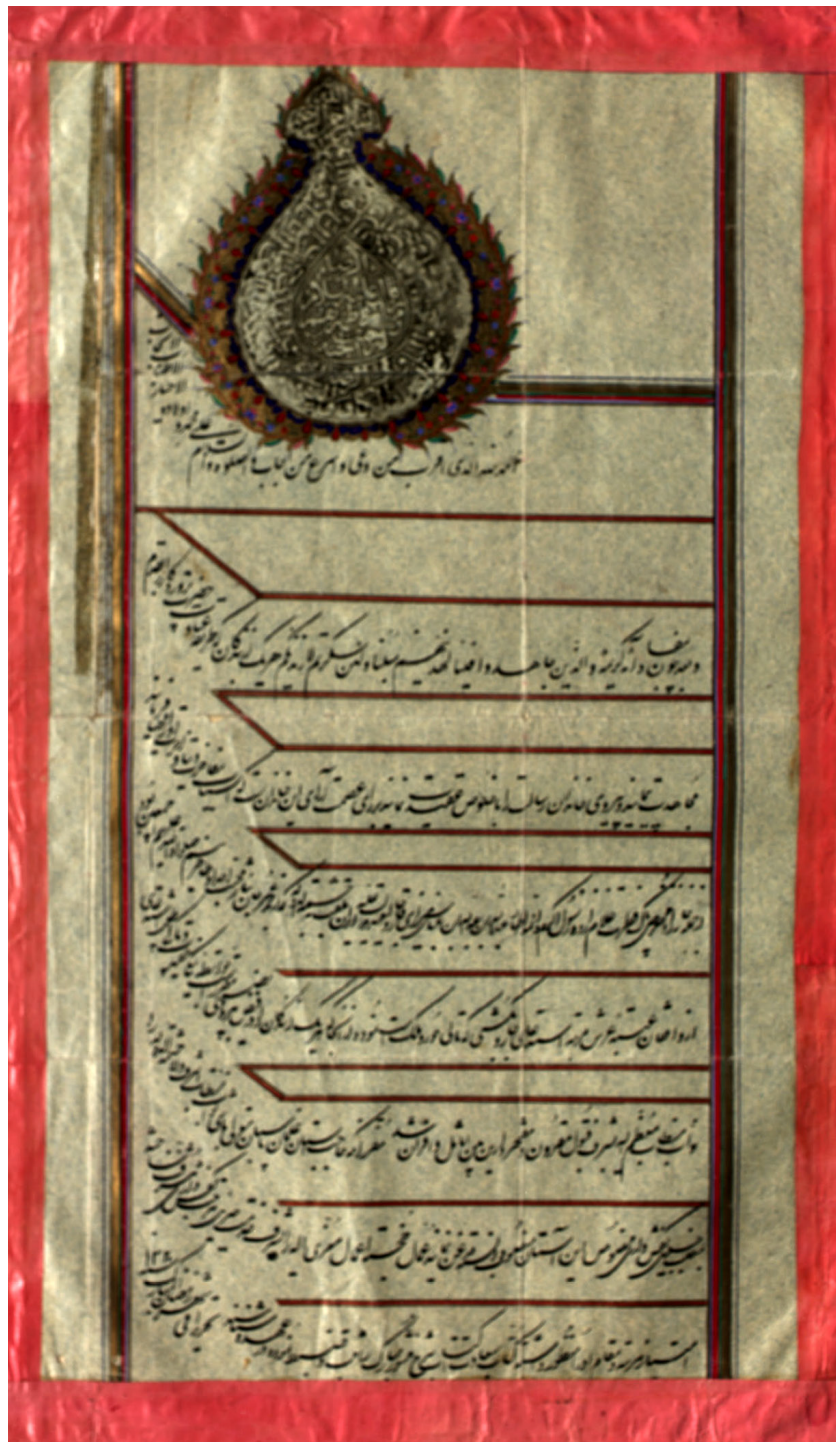
ضمائم



تصویر ۱

فرمان تولیت شاہ عباس





تصویر ۲

فرمان مظفرالدین‌شاه برای
جاروب کشی آستان مقدس





تصویر ۳

فرمان تولیت احمدشاه برای رضاخان سردار سپه

